

تثنيه: مقدمه: محتوا، ساختار و مضامین

جلسه اول؛ دکتر سینتیا پارکر

من دکتر سینتیا پارکر و تدریس او در مورد کتاب تثنيه هستم. این جلسه اول است: مقدمه: محتوا، ساختار و مضامین.

مقدمه

از همراهی شما متشکرم. ما در حال برگزاری یک سری سخنرانی در مورد کتاب تثنيه هستیم. من سیندی پارکر هستم، استاد مدرسه الهیات کتاب مقدس هستم و تثنيه یکی از کتاب‌های مورد علاقه همیشگی من است. می‌دانم که بسیاری از مردم در مورد تثنيه تصورات از پیش تعیین‌شده‌ای دارند. بسیاری از اوقات وقتی در کافه هستم و مشغول نوشتن یا تصحیح برگه‌های امتحانی هستم و مردم از من می‌پرسند که روی چه چیزی کار می‌کنم، می‌دانم که اگر بگویم تثنيه، مکالمه متوقف می‌شود. مردم سرشان را کج می‌کنند، ابروهایشان را بالا می‌اندازند و طوری به من نگاه می‌کنند که انگار می‌گویند: چرا باید برای مطالعه تثنيه وقت بگذاری؟ گاهی اوقات مردم می‌گویند: من حتی نمی‌دانم تثنيه چیست و من می‌گویم: «خب، این پنجمین کتاب از اسفار پنجگانه است.» سپس مکئی ناشیانه «وجود دارد و من می‌گویم: «خب، می‌دانید، یکی از کتاب‌هایی که به عنوان کتاب موسی در نظر گرفته می‌شود پس موسی معمولاً چیزی است که مردم می‌توانند به آن چنگ بزنند. وقتی مردم به تثنيه فکر می‌کنند، به قوانین و کتاب‌های کثیف و غبارگرفته فکر می‌کنند، که باید گرد و غبار روی جلد آن را پاک کنید. هیچ هیجانی برای درگیر شدن با کتاب وجود ندارد.

اما من عاشق این کتاب هستم. بگذارید به شما بگویم چرا. من فکر می‌کنم کتاب تثنيه یکی از قلب‌های عهد عتیق است. این کتاب مضامینی را برای ما ارائه می‌دهد که در سراسر بقیه عهد عتیق دیده می‌شوند. کتاب تثنيه یکی از چهار کتاب عهد عتیق است که بیشترین نقل قول را در عهد جدید دارد. بنابراین، حتی برای مردم در زمان عیسی و پس از عیسی، تثنيه ضروری بود. آنها آن را درک می‌کردند. آنها آن را زندگی می‌کردند. آنها آن را نفس می‌کشیدند. این کتاب چیزی جذاب در مورد این کتاب می‌گوید.

فکر می‌کنم باید زمانی را صرف شنیدن این کتاب کنیم. و فکر می‌کنم ما در فرهنگ مدرن چیزهای زیادی داریم که می‌توانیم از کتاب تثنيه یاد بگیریم. ما فقط باید با کتاب بر اساس شرایط خودش تعامل کنیم، نه بر اساس شرایط خودمان. بنابراین، با توجه به اینکه با بخش زیادی از کتاب مقدس عبری تعامل داریم، این کتاب برای ما به عنوان مخاطب امروزی نوشته نشده است. این کتاب برای ما نوشته شده است. ما چیزهای زیادی داریم که می‌توانیم با

آنها تعامل کنیم و چیزهای زیادی داریم که می‌توانیم از آنها برای ورود به فرهنگ امروزی خود استفاده کنیم. در واقع، فکر می‌کنم کتاب تثبیه به ما نشان می‌دهد که قلب خدا چگونه است، خدا می‌خواهد قلب قومش چگونه باشد و دیدگاه کتاب مقدس در مورد سرمایه‌گذاری و ساختن یک جامعه خوب چیست. اما ما باید این کار را بر اساس تثبیه انجام دهیم. بنابراین، ما این کار را در چند سخنرانی بعدی انجام خواهیم داد، تا به نوعی زمینه و جهت‌گیری خود را برای کتاب تثبیه مشخص کنیم.

جایگاه تثبیه در اسفار پنجگانه و ارتباط آن با کتب تاریخی

بنابراین، فقط به عنوان مقدمه، بیایید به برخی از چیزهایی که تثبیه برای ما دارد بپردازیم. بنابراین، وقتی به تثبیه می‌رسیم، وقتی که در حال خواندن اسفار پنجگانه هستیم، اگر مستقیماً از پیدایش به تثبیه می‌خوانید متوجه خواهید شد که روایت تثبیه به شدت کند می‌شود. بنابراین، اگر از پیدایش به بعد را خوانده باشید، گام‌های بسیار بزرگ و عظیمی را در طول زمان، حتی در طول مکان برداشته‌اید. روایت از بین‌النهرین به سرزمین مصر، به مصر و برعکس حرکت کرده است. ما نسل‌ها پس از نسل‌های مردم را در مدت زمان بسیار کوتاهی در کتاب مقدس دنبال کرده‌ایم. بنابراین وقتی صحبت از روایت می‌شود، گام‌های بسیار بزرگی برمی‌داریم و به محض اینکه به تثبیه می‌رسیم، باید ترمز کنیم زیرا کل کتاب طوری ساخته شده است که انگار در یک نقطه اتفاق می‌افتد، در طول چه مدت زمانی، نمی‌دانیم، اما به عنوان مجموعه‌ای از خطبه‌هایی ساخته شده است که درست در حاشیه رود اردن به مردم داده شده است. بنابراین، ما یک بازه زمانی داریم که کند می‌شود. بنابراین، باید تثبیه را به روشی کاملاً متفاوت بخوانیم.

ما متوجه خواهیم شد که این کتاب تثبیه، نقطه عطفی برای ما در اسفار پنجگانه نیز هست. بنابراین، ما کتب اسفار پنجگانه را داریم، یا این روایت‌های پاتریارخ‌ها را دنبال کرده‌ایم، و اکنون می‌خواهیم به این بپردازیم که وقتی این جامعه از مردم به سرزمینی که خدا وعده داده است، می‌روند، چه اتفاقی می‌افتد. بنابراین، کتاب تثبیه به عنوان یک کتاب راهنما برای ما عمل می‌کند، به طوری که ما را از اسفار پنجگانه به روایت‌های تاریخی می‌برد. ما را از داستان‌های پاتریارخ‌ها به داستان‌هایی از زندگی ملت اسرائیل در یک جامعه سازنده زمین و داشتن یک پادشاهی می‌برد. کتاب تثبیه قرار است به عنوان نقطه گذار ما برای ما عمل کند.

تثبیه: گذشته به عنوان چشم‌اندازی بر حال و آینده

ما همچنین متوجه خواهیم شد که تثبیه از تکنیکی استفاده خواهد کرد که در سراسر عهد عتیق یافت می‌شود، اما این چیزی است که باید از آن آگاه باشیم. بنابراین، تثبیه به گذشته به عنوان راهی برای توضیح وقایع امروز به عنوان راهی برای نگاه به آینده نگاه می‌کند. این یک روش تفکر کاملاً خاورمیانه‌ای است. اکنون در خاورمیانه

در جوامع مدرن و همچنین در زمان کتاب مقدس، مردم با گذشته خود روبرو می‌شوند. در واقع، یکی از دوستان من در اورشلیم همیشه این را به گروه‌هایی از دانشجویانی که برای صحبت با او می‌روند می‌گوید. او به همه افراد حاضر در اتاق نگاه می‌کند و می‌گوید: "هیچ اسرائیلی سی ساله و هیچ فلسطینی سی ساله وجود ندارد." و همیشه لحظه‌ای مکث و سردرگمی وجود دارد زیرا مردم از پنجره به بیرون نگاه می‌کنند و می‌گویند: "من کاملاً مطمئنم که کسی آنجا سی ساله است." و او خواهد گفت: "نه، هیچ کس سی ساله نیست. همه سه هزار سال سن دارند." بنابراین، او این ایده را مطرح می‌کند که همه طرز فکری در مواجهه با گذشته دارند.

بنابراین، این یک چیز کاملاً کتاب مقدسی است، و تنبیه این کار را انجام می‌دهد. برای ما کمی غیرمنطقی است. اگر در آمریکای شمالی یا اروپا هستید، چیزی برای ما وجود دارد. ما دوست داریم با آینده روبرو شویم. ما هر از گاهی نگاهی به گذشته می‌اندازیم یا شاید به گذشته نگاه کنیم، اما تمایل داریم فکر کنیم، من فرد خودم هستم. من زندگی خودم را برای خودم خواهم ساخت. من می‌دوم و آینده را دنبال می‌کنم و آن را به آنچه می‌خواهم تبدیل می‌کنم.

نویسندگان کتاب مقدس یا مخاطبان کتاب مقدس جهان‌بینی خود را اینگونه شکل نداده‌اند. آنها با گذشته روبرو شدند زیرا وقتی به گذشته نگاه می‌کنید، به چیزی قطعی نگاه می‌کنید. این اتفاق قبلاً افتاده است. من از قبل می‌دانم چیست. اعمال افرادی که پیش از من بوده‌اند، به توضیح اینکه من همین جا و همین الان چه کسی هستم، کمک می‌کند. به خاطر گذشته است که من در اینجا هستم. و من نگاهی به پشت سرم می‌اندازم و به آینده فکر می‌کنم، اما به آینده برمی‌گردم. من به عقب برمی‌گردم، اما گذشته‌ام را با خود می‌برم.

بنابراین، ما باید در مورد تنبیه به این موضوع فکر کنیم زیرا این بخشی از تکنیک تنبیه است. تکرار «به یاد داشته باش چیزهایی که پیش از تو بوده‌اند» وجود دارد زیرا این تکرار، زمان حال تو را در اینجا و اکنون توضیح می‌دهد، که سپس نحوه واکنش تو به اتفاقات آینده را تعیین می‌کند.

تنبیه در لیه/مرز سرزمین: بازگشت به خانه و خانه‌نشینی

خب، آخرین نکته این است که ما مردمی را در مرز داریم. به نظرم این بخش واقعاً جالب است، چون نحوه‌ی نگارش کتاب تنبیه به این صورت است که همه با موسی در بیابان پرسیه می‌زدند. آنها درست به لیه‌ی رود اردن می‌رسند. موسی بلند می‌شود تا مجموعه‌ای از موعظه‌ها را برای مردم ایراد کند، و مردم به سرزمینی نگاه می‌کنند که موسی مدام می‌گوید: «خدا آن سرزمین را به عنوان میراث به شما می‌دهد.» آنها به سرزمین نگاه می‌کنند، اما در آن سرزمین نیستند. بنابراین، تجربه‌ی فوری آنها پرسیه زدن در بیابان است، اما آنها آماده می‌شوند تا به چیزی جدید تبدیل شوند. بنابراین، آنها مردمی در مرز هستند.

آنها همچنین مردمی در مرز هستند زیرا داستان‌هایی از آن سرزمین به عنوان سرزمین موعودی که خدا به ابراهیم، اسحاق و یعقوب و عده داده بود، وجود دارد. به نوعی، احساس بازگشت به خانه خود را دارید؛ شما به این مکان وارد می‌شوید و داستان‌هایی در مورد داستان‌های اجداد بزرگ خود شنیده‌اید که در این سرزمین اتفاق می‌افتد. و بنابراین، بازگشت به خانه وجود دارد. این حس وجود دارد که ما به اینجا تعلق داریم. اما همچنین حس خانه‌داری وجود دارد. انگار قبلاً هرگز اینجا نبوده‌ایم. نمی‌دانم فراتر از تپه‌ای که می‌توانم جلوی خود ببینم چه شکلی است. و بنابراین، ما به این مکان می‌رویم تا چیزی جدید بسازیم، و آن مکان به ما دیکته می‌کند و از ما می‌خواهد که جامعه‌ای کاملاً متفاوت از آنچه در تمام این مدت که در بیابان سرگردان بوده‌ایم دیده‌ایم، بسازیم.

بنابراین این حس بودن در مرز، حس بودن در آستانه‌ی چیزی جدید است. بودن در آن مکان ترسناک است، و همچنین مکان بسیار هیجان‌انگیزی است. دوست دارم توضیح دهم که تثنیه کمی شبیه مربی است که تیم را در نیمه‌ی وقت به رختکن می‌آورد. آنها قبلاً در حال پرسه زدن بوده‌اند. آنها این کار را که زندگی با هم به عنوان یک ملت نامیده می‌شود، با عهده‌ی با خدا انجام داده‌اند. قبلاً یک تلاش ناموفق برای ورود به سرزمین وجود داشت و آنها شکست خوردند، و به همین دلیل، در بیابان سرگردان بوده‌اند. و بنابراین، اکنون این سخنرانی دلگرم‌کننده‌ی بزرگ موسی را داریم. بیایید مردم، خودتان را جمع و جور کنید. این دومین فرصت شما برای ورود است. به جز این بار، وقتی وارد می‌شوید، باید به خاطر داشته باشید.

یادآوری در تثنیه

و بنابراین کتاب تثنیه بارها و بارها کلمه "به یاد داشته باش" را تکرار می‌کند. به یاد داشته باشید که شما به عنوان قوم برگزیده خدا چه کسانی هستید. به یاد داشته باشید که خدای شما کیست. و به یاد داشته باشید که او این سرزمین را به شما داده است. بنابراین، اساساً، این موسی است که تیم خود را برمی‌دارد و می‌گوید، بیایید با گذشته روبرو شویم. بیایید آنچه را که قبلاً آموخته‌ایم به یاد بیاوریم، و بیایید آن را بگیریم و با آن به این مکان کاملاً جدیدی که داریم برویم.

سرزمین خوب به عنوان یک بهشت بالقوه

همچنین خواهیم دید که بخشی از صحبت‌های دلگرم‌کننده، این نوع تخیل فعال و عالی از آنچه این سرزمین می‌تواند باشد، است. بنابراین، وقتی آنها وارد این سرزمین می‌شوند، پتانسیل موجود در اینجا چیست؟ و بنابراین، یکی از مضامینی که دوست دارم در کتاب تثنیه مطرح کنم، ارتباط بسیار قوی آن با روایات خلقت در پیدایش ۱ و ۲ است. بنابراین، اگر بخش ابتدایی داستان را به خاطر بیاوریم، این روایات خلقت همگی در مورد چگونگی طراحی خدا هستند؟ وقتی خدا از ابتدا طراحی می‌کند، نظم و ساختاری که برای بیان آن به آن نگاه می‌کند چیست؟ این خیلی خوب است.

بنابر این تثبیه بخشی از آن زبان آفرینش را قرض می‌گیرد و می‌گوید، می‌دانید چیست، این سرزمینی که وارد آن می‌شوید، پتانسیل بسیار خوبی دارد. این سرزمین فرصتی دارد تا به باغ عدن دیگری تبدیل شود.

تثبیه نمی‌گوید که این سرزمین، باغ عدن است. این دو را به این شکل به هم ربط نمی‌دهد. نمی‌گوید که این سرزمین جایی است که عدن در آن اتفاق افتاد. اینطور نیست. می‌گوید که این سرزمین نوعی پتانسیل دارد بنابر این همانطور که خدا مکانی شگفت‌انگیز را خلق کرد که پر از حیوانات و گیاهان بود، این نوع زمینه مناسب بود، و سپس مردم را می‌گیرد و آنها را در آن زمینه قرار می‌دهد و می‌گوید در این زمینه به گونه‌ای سرمایه‌گذاری کنید که باعث افتخار و خوشحالی من شود. و در آن زمینه، خدا با مردم ساکن می‌شود.

این زمین هم همینطور. از قبل پر شده. پوشش گیاهی دارد. هر چیزی که نیاز داری را دارد. برو داخلش، ازش مراقبت کن، طوری مدیریتش کن که من بتوانم با تو در هماهنگی زندگی کنم، و هر دو بتوانیم با هم به آن نگاه کنیم و بگوییم: «این خیلی خوبه»

بنابر این، تثبیه این رؤیا را برای مردمی که در مرز بیرونی گیر افتاده‌اند و آماده رفتن به سرزمین می‌شوند، ترسیم می‌کند.

فعالیت‌های موسی

حالا چند چیز هست که قرار است به عنوان محتوای اساسی در کتاب تثبیه پیدا کنیم. بنابر این، خواهیم دید که مجموعه‌ای کامل از موعظه‌ها وجود دارد، و چند قطعه شعر و چند آهنگ واقعاً عالی، آهنگ‌های قدیمی عبری و در میان آن محتوا، فعالیت‌های پایانی موسی را خواهیم یافت. بنابر این، ما در سفر خروج با موسی آشنا شدیم. ما اعمال موسی، توانایی‌های رهبری او و نحوه تعامل او با مردم را در طول سفر خروج و اعداد و بخش‌هایی از لاویان دنبال کرده‌ایم. و اکنون، به تثبیه می‌رسیم و آخرین بخش از فعالیت‌های موسی در زندگی را می‌بینیم.

انتقال رهبری از موسی به یوشع

ما متوجه خواهیم شد که انتقال رهبری وجود دارد زیرا موسی با مردم به سرزمین موعود نمی‌رود، بلکه یوشع به آنجا می‌رود. و بنابر این، انتقال رسمی رهبری وجود دارد که در آن مسح رهبری از موسی به یوشع می‌رسد. سپس، یوشع ما را به سرزمین موعود می‌برد و ما را از کتاب یوشع به بقیه روایت‌های تاریخی هدایت می‌کند. بنابر این، ما آن انتقال رهبری را داریم که قرار است اتفاق بیفتد.

توضیح قانون

ما نگارش گفتمان را داریم، یا می‌توانیم بگوییم نگارش توضیح شریعت. بنابر این، بخشی از تثبیه، هدف این است که موسی بایستد و برای مردم توضیح دهد. ما این شریعت را در کوه سینا دریافت کردیم. این شریعت

برای ما چه معنایی خواهد داشت، زیرا ما در سرزمینی که خدا به ما داده است، به مردمی ساکن تبدیل می‌شویم؟ خب، این چه معنایی دارد؟ این توضیح شریعت است. و آن بخش نوشته می‌شود، یا تنبیه به ما می‌گوید که آن بخش نوشته خواهد شد. و سپس، البته، در پایان، فصل آخر تنبیه، مرگ نهایی موسی را پوشش می‌دهد.

مضامین خدا: خدا به عنوان والدین دلسوز و دهنده پیمان

حال، تا آنجا که به مضامین مربوط می‌شود، ما فقط به محتوا پرداختیم؛ اینها انواع چیزهایی هستند که قرار است در کتاب تنبیه ببینیم. برای مضامینی که می‌بینیم، آنها را به مضامین مربوط به خدا، مضامین مربوط به قوم اسرائیل و مضامین مربوط به سرزمین تقسیم می‌کنم. بنابراین، البته، خدا یکی از شخصیت‌های اصلی این کتاب است. بنابراین، چیزی که قرار است بفهمیم این است که خدا مانند یک والد دلسوز عمل می‌کند. او اغلب به عنوان پدر اسرائیل توصیف می‌شود. بنابراین، بنی اسرائیل پسر خدا در نظر گرفته می‌شوند. خدا به عنوان والد دلسوز به تصویر کشیده شده است. اکثر اصطلاحاتی وجود دارد که به او به عنوان پدر اشاره می‌کنند، اما به چند مورد اشاره خواهیم کرد که خدا را مادر می‌دانند، که به نوعی ویژگی‌های مادر را نیز دارند. بنابراین، ما این پدر و مادر زیبا را می‌بینیم که از فرزند خود مراقبت می‌کنند. بنابراین، ما این خدا را به عنوان یک والد می‌بینیم. همچنین می‌بینیم که خدا دهنده قوانین عادلانه است.

حالا، این چیزی است که به نظر من زیباست، چون وقتی مردم کلمه «قانون» را می‌شنوند، به قانون فکر می‌کنیم، و اگر رگه‌هایی از سرکشی در شما وجود داشته باشد، که من هم رگه‌هایی از سرکشی در من وجود دارد بسیاری از ما این کار را می‌کنیم؛ ما فکر می‌کنیم که قوانین برای شکستن وضع شده‌اند. اما این قانون، آنطور که کتاب مقدس عبری واقعاً از قانون صحبت می‌کند، نیست. تورات، قانون، واقعاً باید به چیزی نزدیک‌تر به آموزه‌ها» ترجمه شود. چیزی که دوست دارم بگویم، اگرچه کمی لقمه‌پیچ است، این است که قانون بهترین» دستورالعمل‌های خداست برای چگونگی ایجاد بشریت شکوفا در جایگاهی که به آنها داده است. این قانون است این هدیه خدا به قومش است. چگونه موفق می‌شوید؟ چگونه به عنوان یک انسان شکوفا می‌شوید. این قوانین چیزهایی هستند که به شما کمک می‌کنند تا بفهمید چگونه این کار را انجام دهید. بنابراین، خدا دهنده قوانین عادلانه است. بنابراین، قانونی که برابری را در بین قوم خود ایجاد می‌کند و قانونی که به طبیعت و همچنین مردم اهمیت می‌دهد.

ما همچنین می‌آموزیم که خدا با قوم خود است و با خروج قوم از بیابان به سرزمین، حرکتی وجود دارد. خدا با قوم خود حرکت می‌کند. بنابراین، یک رابطه وجود دارد. این یک رابطه دلسوزانه است که خدا با قوم خود دارد. و ما متوجه می‌شویم که خدا از آن نوع خدایی است که مایل است با قوم خود پیمان قانونی ببندد. بنابراین، می‌توانید امضای پیمان در کوه سینا را بنامید، برخی آن را یک قرارداد ازدواج می‌دانند؛ این خدا و عروسش که با هم

می‌آیند. می‌توانید آن را یک قرارداد خانوادگی در نظر بگیرید. این پیمان، خدا را به عنوان یک پدر به تصویر می‌کشد و او یک رابطه خانوادگی فرزندی با قوم خود ایجاد می‌کند. اما قابل توجه است که خدا با قوم خود وارد این نوع پیوند پیمانی می‌شود.

در واقع، این ایده که خدا با او پیمان می‌بندد، حتی در ساختار کتاب تثنیه نیز خود را نشان می‌دهد، جایی که به نظر می‌رسد خود کتاب دارای ساختاری قراردادی است و ما به زودی به آن خواهیم پرداخت. بنابراین، این تصویر واقعاً زیبایی از خداست که در کتاب تثنیه می‌بینیم.

مضامین قوم بنی‌اسرائیل

ما همچنین چند نکته در مورد قوم بنی‌اسرائیل می‌آموزیم. بنابراین، می‌بینیم که از مردم انتظار می‌رود به این خدای مهربان و دوست‌داشتنی پاسخ دهند. انتظار می‌رود که به آن پاسخ داده شود. بله، همانطور که موسی با مردم صحبت می‌کند و آنها با گذشته خود روبرو می‌شوند و تمام کارهایی را که خدا انجام داده است ثبت و به یاد می‌آورند. آنها این کار را انجام می‌دهند تا توضیح دهند که چرا در موقعیت فعلی خود هستند و درخواست پاسخ کنند. بنابراین، فقط این نیست که به یاد بیاوریم خدا چه کرده است و فقط آن فیض را دریافت کنیم. این یک دریافت است، و سپس، راه مناسب برای دوست داشتن خدا در عوض چیست؟

بنابراین، اگر ما برای جلب عشق خدا عمل نمی‌کنیم، در واقع عشق او را دریافت کرده‌ایم. می‌توانیم این را در گذشته ببینیم. اما چگونه می‌توانیم واکنش نشان دهیم تا او را خوشنود کنیم و عشق خود را به خدا نشان دهیم؟

بنابراین، آنها فیض دریافت می‌کنند، اما هیچ یک از اینها در واقع به دلیل اعمال خودشان نیست. بنابراین، این موضوع دیگری در تثنیه است. تثنیه جنبه‌ی طنزآمیزی دارد که اغلب از این می‌گوید: «فکر نکنید که تمام این هدایا و تمام این چیزهایی که دریافت کرده‌اید، این سرزمین بزرگی که به آن می‌روید پتانسیل بهشتی دارد، فکر نکنید که این به دلیل کاری است که قبلاً برای به دست آوردن آن انجام داده‌اید. این هیچ ربطی به شما ندارد. در واقع، شما نسبتاً سرکش بوده‌اید. شما بزرگترین تاریخ را ندارید، و با این حال، خدا هنوز اینجاست. خدا هنوز چیزی به شما می‌دهد.» اما این شناخت وجود دارد که شما به دلیل وفاداری خدا، مورد لطف قرار می‌گیرید، اما از شما انتظار می‌رود که به روشی خاص به او پاسخ دهید.

ما همچنین این مضمون واقعاً زیبا از اسرائیل و ملت‌ها را داریم. بنابراین، این کتاب تثنیه برای مردم نوشته شده است. کل ساختار آن موعظه‌های موسی برای مردم، سخنان دلگرم‌کننده برای آماده کردن آنها برای رفتن به سرزمین است. این برای آنهاست. این موضوع ارتباط زیادی با تاریخ خودشان، روایت خودشان و خدایی که به آن خدمت می‌کنند، دارد. با این حال، جریان پنهانی از ملت‌های دیگر در اطراف اسرائیل وجود دارد. اسرائیل قرار

است با آن ملت‌های دیگر رابطه داشته باشد. و آن چیست؟ و بنابراین، در واقع، در چند فصل اول تثنیه خواهیم دید که اگرچه خدا اسرائیل را برگزیده است، و اگرچه این کتاب بر بنی‌اسرائیل تمرکز دارد، اما خدا در واقع به همه مردم چشم دوخته است. و بنابراین، چیزی در مورد مسئولیتی که مردم برای پاسخ به خدا، برای وفادار بودن به عهد خود با خدا دارند، وجود دارد که در واقع به نفع سایر ملت‌های اطراف است. بنابراین، ما این را نیز خواهیم دید.

تم سرزمین

و بعد به نظرم آخرین و آخرین موضوعی که در کتاب تثنیه خواهیم دید، سرزمین است. این «مکان» مهم است. در واقع، درک و فهم این موضوع برای مردم در جوامع امروزی واقعاً دشوار است، زیرا اگر در جامعه مدرن زندگی می‌کنید، شاید به فروشگاه بروید، شاید تهویه مطبوع خانه خود را کنترل کنید، یا در زمستان خانه خود را گرم کنید. ما به فروشگاه مواد غذایی می‌رویم و محصولاتی از سراسر جهان را در فروشگاه مواد غذایی پیدا می‌کنیم. فناوری به ما این امکان را می‌دهد که با مردم در سراسر جهان ارتباط برقرار کنیم. و به نوعی، با وجود همه این موارد شگفت‌انگیز، من نمی‌خواهم از هیچ یک از این امتیازات صرف نظر کنم، اما یکی از چالش‌هایی که ایجاد می‌کند این است که ما را از ویژگی‌های دقیق مکانی که در آن زندگی می‌کنیم، کمتر آگاه می‌کند.

بنابراین، در دوران مدرن، گاهی اوقات از دانش‌آموزان در کلاس درس می‌پرسم. آیا می‌دانید که فروشگاه مواد غذایی از خانه شما در سربالایی است یا سرازیری؟ و مگر اینکه واقعاً به سمت فروشگاه مواد غذایی بروید، احتمالاً نمی‌دانید که سربالایی است یا سرازیری. این به هیچ وجه تجربه مردم باستان نیست.

مردم سرزمین خود را می‌شناختند. آنها از طریق زمین خود امرار معاش می‌کردند. امرار معاش به این معنی بود که آنها نیاز داشتند با هر اینچ خاک ارتباط نزدیکی داشته باشند، زیرا محصولاتی که توسط آن خاک تولید می‌شود یا آبشخورهایی در بیابان که می‌توانند گوسفندان و بزهای خود را در آنجا پرورش دهند، نیروی زندگی آنهاست. آنها به شناخت دقیق زمین وابسته هستند.

بنابراین، زمین یکی دیگر از شخصیت‌های کتاب مقدس است، و ما اغلب آن را نادیده می‌گیریم، و وانمود می‌کنیم که آنجا نیست. ما آن را به عنوان پس‌زمینه می‌خوانیم، انگار که فقط صفحه‌ای است که جلوی آن اتفاق مهم در حال رخ دادن است. اما مکان آن مهم است.

احتمالاً شما این را به طور شهودی می‌دانید، زیرا اگر عکسی از کسی که در مناطق کوهستانی زندگی می‌کند به شما نشان دهم، می‌دانید که لباس‌هایش متفاوت است. احتمالاً نوع خاصی از غذا را می‌خورد، فعالیت‌هایی که در طول سال انجام می‌دهند، چه پیاده‌روی در تابستان باشد و چه اسکی یا اسنوبرد در زمستان

بسیار متفاوت است. توانایی رفتن به اعماق کوه‌ها بسیار دشوار است. شما به خوبی با دنیای بیرون ارتباط برقرار نمی‌کنید.

این خیلی متفاوت از نشان دادن عکس کسی است که در ساحل یا در یک جامعه ساحلی زندگی می‌کند. فعالیت‌های آنها فقط متفاوت است؛ آب بیشتری وجود دارد، ورزش می‌کنند، قایق‌های بادبانی یا اسکی روی آب یا غواصی می‌کنند. جوامع ساحلی وجود دارند که حال و هوای کاملاً متفاوتی دارند. نوع کافه‌هایی که دارند در فضای باز است. ارتباط آنها با دنیای بیرون کمی بازتر و گسترده‌تر است. ما این را به طور شهودی می‌دانیم؛ فقط نمی‌توانیم آن را با خودمان به متن برگردانیم.

و بنابراین بخشی از کاری که ما باید انجام دهیم، هنگام مطالعه کتاب تثنیه، مطالعه سرزمین است زیرا مکان در واقع بسیار مهم است. بنابراین ما به چند نقشه نگاه خواهیم کرد و من چند تصویر به شما نشان خواهم داد تا به ما کمک کند تا با این مکانی که به بنی‌اسرائیل گفته شده بود پتانسیل تبدیل شدن به یک عدن را دارد، ارتباط برقرار کنیم. بنابراین اینها موضوعاتی هستند که ما قصد داریم از آنها عبور کنیم.

ساختار تثنیه

حالا، در مورد ساختار کتاب، به مسائل پیچیده‌ای برمی‌خوریم. به نظر می‌آید یکی از راه‌هایی که مردم در مورد ساختارها صحبت می‌کنند، نحوه طراحی کتاب، نگارش متن یا حتی نویسنده متن است و اینها چیزهای بسیار پیچیده‌ای در مورد تثنیه هستند. چند مورد از آنها را برای سخنرانی دیگری نگاه می‌دارم. بسیاری از این سؤالات، مربوط به نویسندگی و هدف متن، ارتباط زیادی با قانون‌نامه‌ای دارد که در قلب تثنیه گنجانده شده است. بنابراین بعداً در مورد این مسائل صحبت خواهیم کرد.

اما وقتی مردم به ساختار تثنیه فکر می‌کنند، چگونه قرار است به این تصویر بزرگ نگاه کنیم؟ چگونه قرار است آن را تجزیه کنیم و بفهمیم که چگونه به هم پیوسته است؟

خب، هیچ جواب درست واحدی وجود ندارد. چند روش مختلف برای تجزیه و تحلیل این موضوع وجود دارد. بنابراین اجازه دهید چند مورد را که شاید از محبوب‌ترین مواردی باشند که در اکثر تفاسیر مربوط به تثنیه پیدا خواهید کرد، برای شما بیان کنم.

ساختار عهدی تثنیه

بنابراین، اولین موردی که قبلاً به آن اشاره کردم، قبلاً هم وقتی در مورد مضامین تثنیه صحبت می‌کردیم، به آن اشاره کردم. این یک عهد خواهد بود. بنابراین ایده این است که خدا با قوم خود عهد بسته است. بنابراین می‌توانیم به کتاب تثنیه نگاه کنیم و بگوییم که ساختار آن مانند یک عهد است.

حالا شاید برسید، از کجا این را می‌دانیم؟ بگذارید یک اسلاید به شما نشان دهم و لحظه‌ای به شما فرصت خواندن آن را بدهم. و شرط می‌بندم بدون اینکه من واقعاً به شما بگویم چه نوع مراسمی در حال انجام است، می‌توانید این کلمات را بخوانید و درباره اقدامات افراد درگیر در این پیمان یا توافقی که در حال انجام است بخوانید، و شرط می‌بندم می‌توانید به من بگویید چه اتفاقی دارد می‌افتد. و من عمداً اسلایدی را انتخاب کردم که زبانی غیر معمول، شاید نه سنتی، داشته باشد.

خب، چی می‌گفتید؟ «من تو را به عنوان دوست و عشقم قبول دارم.» شرط می‌بندم که با همان چند کلمه اول بیشتر شما فکر می‌کردید که این یک ازدواج است. و بعد به پایین‌ترین قسمت می‌رسید، و این می‌شود «من این حلقه را به عنوان نماد به تو می‌دهم»، و همه ما می‌گوییم، اوه بله. می‌دانم چیست. ما حلقه رد و بدل کردیم. این شبیه یک مراسم ازدواج است. حق با شماست. و شما این کار را فقط در عرض چند ثانیه انجام دادید زیرا این فرمول برای شما بسیار شهودی است. شما فقط با نگاه کردن به آن می‌فهمید که معنی آن چیست.

معاهدات خاور نزدیک باستان و شکل معاهده تثبیه

تثبیه بسیار شبیه است. ما معاهدات هیتی و آشوری داریم که پیدا شده‌اند. بنابراین، معاهداتی که نوشته شده‌اند، و همانطور که ما توانسته‌ایم بررسی و مطالعه کنیم، معاهدات هیتی به طور قابل توجهی قدیمی‌تر از معاهدات آشوری هستند، آنها دقیقاً یکسان نیستند، اما ما الگوهای مشابهی پیدا می‌کنیم.

بنابراین، چیزی که معمولاً می‌بینیم این است که یک مقدمه، یک مقدمه وجود دارد. این معاهده در مورد همین است. اینها طرف‌هایی هستند که درگیر هستند.

ما یک مقدمه تاریخی داریم. معمولاً در مورد شخصی صحبت می‌شود که شریک بزرگتر در این پیمان است؛ اینها کارهایی هستند که یک شخص قبلاً انجام داده است. مثلاً یک پادشاه و یک شهر. بنابراین، حاکم یا پادشاه، قدرتمند، و شهر، که می‌تواند تابع یا کم‌قدرت‌تر باشد. در آن مقدمه، پادشاه هر کاری را که قبلاً برای تنظیم این پیمان انجام داده است، بیان می‌کند.

سپس ما شروطی خواهیم داشت. این مسئولیت‌های هر دو طرف خواهد بود. بنابراین، پادشاه یا حاکم، چه چیزی را قول می‌دهد که بدهد؟ بنابراین، او قول می‌دهد که اگر آن شهر نیاز داشته باشد، ارتش خود را بفرستد، اگر آن شهر به غذا نیاز داشته باشد، آن را دوباره توزیع کند. میزان مشخصی از حمایت رهبری نیز وعده داده می‌شود. به همین ترتیب، و معمولاً، بار این توافق بر دوش شهر یا رعیت است. بنابراین، طرف ضعیف‌تر می‌گوید، من موافقم که فلان درصد مالیات را به شما بدهم. ما قول می‌دهیم فلان تعداد از مردم را به جنگ با شما بفرستیم. ما قول می‌دهیم که یک دختر را به حرمسرای پادشاه بفرستیم، یا انواع شروط دیگر وجود دارد.

سپس نعمت‌ها و نفرین‌ها وجود دارند. بنابراین، اینها چیزهایی هستند که در صورت شکستن این پیمان اتفاق می‌افتند. یا اگر این پیمان وفا شود، اینها نعمت‌هایی هستند که به دست می‌آورد. بنابراین، اینها عواقب اعمال شما خواهند بود.

معمولاً مجموعه‌ای از شاهدان وجود دارند، چه قضات باشند، چه پادشاهان دیگر، گاهی اوقات خدایان مورد پرستش قرار می‌گیرند. می‌توان گفت، آسمان‌ها، ستارگان آسمان. همیشه شاهدانی وجود دارند که درگیر هستند.

و سپس نوعی مراسم تنفیذ برگزار می‌شود. بنابراین، این زمانی است که همه دور هم جمع می‌شوند تا به یاد بیاورند که ما وارد این پیمان شده‌ایم، تا شروط را به یاد بیاورند، تا برکات را به یاد بیاورند. بیاورند اینجا. خاطر اتمان را تازه کنیم.

بنابراین، اینها اساساً الگوهای هستند که ما در بسیاری از عهد و پیمان‌هایی که در طول صدها سال در خاور نزدیک باستان وجود داشته‌اند، می‌یابیم.

وقتی به کتاب تثنیه می‌رسیم، متوجه می‌شویم که این الگو را به خوبی دنبال می‌کند. بنابراین، ساختار تثنیه به گونه‌ای تنظیم شده است که شبیه یک عهد باستانی خاور نزدیک به نظر می‌رسد. دقیقاً با معاهدات هیتی یا آشوری مطابقت ندارد، اما به اندازه کافی نزدیک است که بدانید از فرهنگ اطراف وام گرفته شده است تا بگوییم این کتاب دقیقاً مانند عهدی است که خدا با قوم خود دارد.

و بنابراین، ما مقدمه و مقدمه را داریم. ما مقدمه تاریخی را داریم. خدا قبلاً برای قوم خود چه کاری انجام داده است؟ وقایعی که قبلاً اتفاق افتاده است چیست؟ ما فصل‌های ۵ تا ۲۶ را داریم که فهرستی از مقرراتی است که می‌توانند قانون اساسی باشند. چه انتظاری می‌رود؟ وقتی خدا انتظار پاسخی از قوم خود دارد، چه انتظاری از آن می‌رود؟

سپس متوجه خواهیم شد که برکات و لعنت‌ها را داریم. وقتی به فصل ۳۲ می‌رسیم، متوجه می‌شویم که شاهدانی وجود دارند که برای نظارت بر این عهد بین خدا و قومش فراخوانده شده‌اند.

و ما یک مراسم تنفیذ داریم. بنابراین، این مراسم کمی خارج از ترتیب است، اما هنوز در کتاب تثنیه وجود دارد. بنابراین، اگر به دنبال چگونگی درک تصویر کلی این کتاب باشیم، می‌توانیم آن را به عنوان یک عهد درک کنیم.

تثنيه به عنوان مجموعه‌ای از خطبه‌ها

ما همچنین می‌توانیم آن را به عنوان مجموعه‌ای از خطبه‌ها درک کنیم. و این چیزی است که من هم به آن اشاره کردم، این به این ایده برمی‌گردد که موسی در لبه سرزمین، در کنار رود اردن، با مردم ایستاده است و او بلند می‌شود و صحبت می‌کند. برخی از کلمات و عبارات وجود دارند که در سراسر کتاب تکرار می‌شوند - خطبه‌ها تکراری هستند. آنها تأثیرگذار هستند؛ این یک نوع سخنرانی بلاغی است که علاقه را در مردم ایجاد می‌کند و ایده‌های بسیار مهمی را تکرار می‌کند. می‌توانیم کتاب تثنيه را به 5 خطبه مختلف تقسیم کنیم. بنابراین، می‌توانیم به تثنيه نگاه کنیم و بگوییم، بیا بیاید این را بر اساس هر خطبه‌ای که موسی دارد، بررسی کنیم. بنابراین، فصل‌های 1 تا 4، 5 تا 11، 12 تا 26، 27 تا 30 و 31 تا 34 را پیدا می‌کنیم.

همین تقسیم‌بندی در واقع با روش تقسیم‌بندی کتاب بر اساس عهد و پیمان نیز کاملاً مطابقت دارد. بنابراین ساختار عهد و پیمان نیز از این ساختار پیروی می‌کند. بنابراین، بسیار شبیه به هم هستند.

تثنيه به عنوان ادبیات

همچنین می‌توانیم به جای موعظه‌ها بگوییم؛ می‌توانیم به کتاب تثنيه به عنوان ادبیات نگاه کنیم، که در این صورت بسیار مشابه است. در واقع، من دقیقاً همان تقسیم‌بندی فصل‌ها را در نظر می‌گیرم؛ فقط آنها را چیزی متفاوت می‌نامیم. بنابراین، بر اساس روشی که من در اینجا شرح داده‌ام، می‌بینیم که فصل‌های 1 و 4 و سپس فصل‌های 31 تا 34 چارچوب بیرونی هستند. بنابراین، آنها کل زمینه کتاب را تعیین می‌کنند. فصل‌های 5 تا 11 و 27 تا 30 می‌توانند چارچوب درونی باشند. سپس تمرکز کتاب، کل دلیل وجود کتاب، قانون موجود در فصل‌های 26 تا 26 است. این تمرکز کتاب است. بنابراین، ما به همین دلیل کتاب را اینجا داریم تا این قانون را توضیح دهد 12.

خلاصه نتیجه‌گیری

خب، می‌بینید که به روش‌های مختلفی می‌توانیم کتاب را تجزیه و تحلیل کنیم. مطمئناً شباهت‌هایی بین همه آنها وجود دارد. صرف نظر از اینکه از چه طریقی بخواهیم کتاب را تجزیه و تحلیل کنیم و در مورد ساختار آن صحبت کنیم، قانون در قلب کتاب قرار دارد.

اما یک چیز را می‌توانیم با اطمینان بگوییم، اینکه سازماندهی تثنيه تصادفی نیست. بنابراین، نگاهی بسیار هدفمند به کتاب و سازماندهی مطالب وجود داشته است تا چیزی زیبا برای مردم خلق شود که در آن مشارکت کنند. بنابراین، ما نمی‌خواهیم از این نکته غافل شویم زیرا تثنيه کتابی بسیار زیبا و خوش‌ساخت است. فصل‌های قانون در هسته آن قرار دارند. همانطور که سخنرانی‌هایمان را مرور می‌کنیم، اساساً این طرح کلی را در اینجا دنبال می‌کنیم. ممکن است فصل‌های 1 و 3 را تجزیه کنیم و آنها را کمی از فصل 4 جدا کنیم، اما ما قصد

داریم کتاب را به گونه‌ای درگیر کنیم که در نهایت بیشتر وقت خود را در اینجا بر روی قانون در فصل‌های ۱۲ تا ۲۶ متمرکز کنیم.

من دکتر سینتیا پارکر و تدریس او در مورد کتاب تشبیه هستم. این جلسه اول است: مقدمه: محتوا، ساختار و مضامین.